

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های محرم سال ۱۳۸۶

(محرم ۱۴۲۹ هـ.ق)

۰۱- افلا تعقلون؟

۰۲- حقیقت قهرمانان عاشورا

۰۳- تفسیر عاشورا از زبان امام عصر (عج)

۰۴- تفسیر عاشورا از زبان حضرت زهرا (س)

اللهم عجل لولیک الفرّج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(محرم ۱۴۲۹ هـ.ق)

حمد و سپاس بی‌کران خداوند عزوجل را سزااست که منزّه و پاک است. از ماه‌های او ماه محرم است که در آن امام حسین (ع) و اهل‌بیت و یاران باوفایش حماسه‌ای آفریدند که هر ثانیه‌اش عظمت هزاران سال را به همراه داشت.

از مقام بلند ایشان همان بس که پیامبران پیشین فضیلت جدش را مژده داده و دیگر امت‌ها به فضیلت امت او اعتراف نمودند. پرده ظلمت از فروغ پیشانی او بشکافت. آن‌سان که خورشید با فروغ خود تاریکی را از بین برد. با حقایق ناب قیام عاشورا با ما همراه شوید.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

افلا تعقلون (آیا نمی‌اندیشید؟)

۱- بنیان‌گذاران ظلم به اهل‌بیت و امت رسول خدا (ص) چه کسانی بودند که در زیارت عاشورا آمده بنیان‌گذاران ظلم به اهل‌بیت چه ظلم زیادی به بشریت تا قیام حضرت مهدی (عج) نمودند؟

۲- دانستن این‌که ۱۴۰۰ سال قبل چه اتفاقی افتاده برای ما چه فایده‌ای دارد؟

۳- کل یوم عاشورا و کل عرض کربلا یعنی چه و چه منظوری را می‌رساند؟

۴- آیا امام حسین (ع) در کربلا غافلگیر شدند یا خود انتخاب کردند؟

۵- چرا امام پس از شنیدن شهید شدن مسلم باز به راه خود ادامه دادند؟

۶- چرا در زمان امام علی (ع) و امام حسن (ع) با لشکرهای ۱۰۰۰۰۰ نفری نتوانستند که معاویه را شکست دهند و روز به روز بر قدرتش افزوده شد، ولی امام حسین (ع) با تعداد کمی بنیان حکومت بنی‌امیه را سست کردند و پس از مدتی کوتاه از بین رفت؟

۷- چرا زنها و بچه‌ها در شب تاسوعا به همراه مردم زیادی از همراهان امام حسین (ع) که رفتند، نرفتند و ماندند؟ چگونه ممکن است؟! چگونه می‌توان تصور کرد که امام حسین (ع) زنها و بچه‌های حرم رسول خدا (ص) را در مقابل عده‌ای وحشی و بی‌دین که به هیچ وجه به مسائل اخلاقی و انسانی پایبند نبودند قرار دهند و بدون اندیشه و پیش‌بینی و بدون در نظر گرفتن عنایات مخصوص خداوندی و تدبیر امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س) حُرمتشان را به خطر اندازند؟

۸- ماندن زنها و بچه‌ها در کربلا به دلیل رساندن پیام امام و رسوایی یزید ظالم بوده است، یا اسارت همراه با شیون و زاری و جلب ترحم و دلسوزی دشمن و مردم آینده. چه پیامی در اسارت آزادگان کاروان کربلا وجود دارد؟ با توجه به اینکه هزاران نمونه شکنجه و آزار و شیون و زاری اسیران در تاریخ وجود دارد.

۹- چگونه ممکن است اهل بیت پیامبر (ص) که هیچ وقت از مال حرام و صدقه تغذیه نشده بودند (در قرآن کریم ذکر شده که پیامبر (ص) و اهل بیتشان نمی‌توانند از صدقه استفاده کنند). در طول اسارت از آب و غذای پست‌ترین انسان‌ها و لشکریان یزید استفاده کرده باشند؟

۱۰- چطور می‌شود حضرت زینب (س) در کاخ یزید و ابن زیاد با چنان غرور و اُبتهی وارد شوند که ابن زیاد از اطرافیان بپرسد این بانوی متکبر کیست که چنین با صلابت قدم بر می‌دارد، آنگاه در جایی دیگر شیون و زاری کند و در مقابل دشمن از خود ضعف نشان دهند؟

۱۱- چرا امام که قبل از سپاه کوفه به کربلا رسیده بودند (دوم محرم) و حر نیز با او رفتار سختی نداشت به جای این‌که کنار رود فرات خیمه بر پا کنند (حدود سه یا چهار کیلومتر) دورتر خیمه زدند؟

۱۲- چه مقدار ذخیره آب در صحرا می‌تواند مردان و اسبان سپاه هزار نفری حر را سیراب کند؟ با توجه به اینکه هیچ وقت امام همه ذخیره آب را به حر و سپاهیان‌ش نمی‌دادند تا همراهان کودک خود در صحرا تشنه بمانند.

۱۳- چرا فرمانده ای مثل امام که در صحرا طوری اردو زده بودند که تا آخرین نفر که شهید شد دشمن نتوانست به خیمه‌ها نزدیک شود، اندیشه ذخیره آب را نکرده بودند؟ با وجود اینکه یقین داشتند دشمن آب را می‌بندد. چون خود ایشان در جنگ صفین در زمان امیرالمؤمنین (ع) پس از نبردی سخت آب را که معاویه بسته بود باز کردند.

۱۴- امام از مکه تا زمین کربلا راه طولانی را طی کردند، هر چاه با چاه بعدی روزها فاصله داشت پس چگونه رفع تشنگی می‌کردند؟ با توجه به جواب این سؤال، دو روز بستن آب چه قدر می‌توانست به کاروان امام (ع) صدمه بزند؟

۱۵- بستن آب یک رودخانه در عرض حداقل ۱۰ کیلومتر چه اندازه محافظت و نگهداری لازم دارد؟

۱۶- با توجه به پاسخ سؤالات قبل، اگر آب بود پس چرا حضرت ابوالفضل (س) مأمور آوردن آب می‌شوند. یک مشک آب چه کمکی به عده زیادی زن و بچه در آخرین دقایق جنگ می‌توانست بکند (یک مشک آب حدود ۱۰ تا ۱۵ لیتر آب است) آوردن مشک چرا این قدر برای حضرت ابوالفضل (س) اهمیت داشت که دو دست خود را می‌دهند و با دندان می‌خواهند برای امام مشک را بیاورند؟

۱۷- ثارالله یعنی چه؟

۱۸- این طالب بدم المقتول به کربلا یعنی چه؟

۱۹- به فرموده خداوند بزرگ در قرآن کریم به فرعون و سرکشان و ظالمان گذشته در برزخ هر لحظه آتش عذاب عرضه می‌شود و ظالمین در حق اهل بیت پیامبر (ص) نیز بی‌شک همین عاقبت را دارند، پس زنده شدن آنها و گرفتن انتقام توسط امام زمان (عج) در زمان ظهور چه نوع انتقامی است؟

۲۰- چرا آقا امام حسین (ع) در شب تاسوعا چراغ‌های اردو را خاموش کردند و هر نصیحت و بهانه که می‌شود انسانی را از عملی منصرف کند، به همراهان برای این که بروند فرمودند، پس در زمان ظهر عاشورا چرا ندای هل من ناصر ی نصرنی (آیا کسی هست تا مرا یاری کند) را سر دادند؟ چرا اگر یاری می‌خواستند شب قبل همراهان خود را مرخص کرده بودند؟

۲۱- همان طور که میدانیم دمای هوای عراق همیشه چند درجه خنک‌تر از مدینه و مکه است پس چطور ممکن است در جایی که خنک‌تر از محل سکونت است انسان دچار عطش زیاد شده و یا پوست بدن و پایش تاول بزند یا بسوزد؟

۲۲- در زمان قدیم و در عربستان نه یخچال بوده و نه غذای کنسروی و نه مغازه و رستورانی که بخواهند در بین راه غذا بخورند و فاصله یک آبادی تا آبادی دیگر هم زیاد بوده بنابر این شتر هم به آنها سواری می‌داده و هم از شیرش به عنوان غذا استفاده می‌کردند. در کربلا نیز مقدار زیادی شتر همراه سپاه وجود داشته! پس آیا نمی‌توانستند از شیر به جای آب استفاده کنند و عطش خود را رفع نمایند؟!

۲۳- با توجه به سؤال فوق این مسئله مطرح می‌شود که سینه مادر شیرده با خوردن یک لیوان شیر قادر است شیر مورد نیاز نوزاد را تولید کند. پس چطور مادر حضرت علی اصغر (س) شیر نداشتند و ایشان تشنه و بی‌تاب شده بودند؟ در ضمن لازم به ذکر است، آب مورد نیاز بدن نوزاد از طریق شیر مادر تأمین می‌شود و دیگر نیازی به نوشیدن آب نیست.

اللهم عجل لوليک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حقیقت قهرمانان عاشورا

حمد و سپاس بی‌کران خداوند عزوجل را سزااست که منزّه و پاک است. از ماه‌های او ماه محرم است که در آن امام حسین (ع) و اهل‌بیت و یاران باوفایش حماسه‌ای آفریدند که هر ثانیه‌اش عظمت هزاران سال را به همراه داشت.

امام حسین (ع):

از مقام بلند ایشان همان بس که پیامبران پیشین فضیلت جدش را مژده داده و دیگر امت‌ها به فضیلت امت او اعتراف نمودند. پرده ظلمت از فروغ پیشانی او بشکافت. آن‌سان که خورشید با فروغ خود تاریکی را از بین برد.

او از خاندانی است که دوستی‌شان دین و دشمنی با آنان کفر و تقرب به آنان رهایی و پناهگاه است که آمدنشان باعث نشاط زمان بود و رفتنشان موجب غم و اندوه زمان.

روزی حضرت فاطمه زهرا (س) سر امام حسین (ع) را به سینه خود چسبانده چنین فرمودند: سلام بر سری که سرور شهیدان است تپش قلبم در شریان سر میوه دل رسول‌الله چون رودخانه‌ای خروشان است و سپس فرمود: ای خانه فاطمه چه بویی را استشمام می‌کنی بویی که هزاران فرشته الهی فقط با بوییدن آن می‌توانند موجودیت پیدا کنند.

کاروان عاشورا به رهبری امام حسین (ع) به‌طرف الیه راجعون حرکت کرد و به قالو بلی و عهد و پیمان‌های الست وفا کرد و پروردگار کریم همان‌گونه‌ای که در قرآن وعده فرموده که آنانی که با جان و مال و فرزند در راه خدا جهاد می‌کنند از روزی بی‌حساب برخوردار می‌شوند به وعده خود عمل فرمود و آن‌ها را در لطف و احسان بی‌کران خود داخل نمود.

چون همگی آینه اطاعت بودند که باید در آنان نگرست و شفافیت وجودشان را در آن آینه تماشا کرد. این شفافیت و بزرگی روح و آزادگی غیرقابل وصف و تصور است به طوری که در ظهر عاشورا با وجود اینکه دشمن همه فرزندان و یاران او را پیش دیدگانش به خاک و خون کشید درحالی که اشک در چشمان مبارکشان حلقه زده بود به طرف دشمن نگاه کرده با خداوند چنین مناجات فرمودند: «خداوندا تو شاهدی آنچه در توان داشتم انجام دادم و باز هم تلاش خواهم کرد تا آنها را از عذاب تو برهانم اما ما را در مشیت تو راهی نیست.» سپس بلند فرمودند: «آیا کسی هست مرا یاری کند؟» که در حقیقت فرمودند: «آیا کسی هست من او را یاری کرده و از عذاب الهی نجات دهم؟» چون اطمینان داشتند پس از شهید شدنشان احدی از آنها از عذاب نجات نمی یابند.

ولی غافلاند کسانی که از امام حسین (ع) شخصیتی را بیان می کنند که تمام جهد و کوشش او را فقط در نوشاندن آب به کودکانش قرار داده و حاضر به قبول حقایق نیستند که خداوند فرمود: «صم بکم عمی فهم لا یرجعون، آنان کران و گنگها (بی عقلان) و کوران اند» لذا از راه خطا باز نمی گردند.

حضرت زینب کبری (س):

زینبی را باید باور کرد که در روز عاشورا بر تل زینبیه چون کوه ایستاد و با صدای رسا جوانان بنی هاشم و پسران خود را تشویق به جهاد و شهادت می نمود.

زینبی را باید باور کرد که شادی و پیروزی کوفیان را با خطابه علی گونه به شکست مبدل کرد چنان غرور آنها را به شرمساری تغییر داد که حتی از دیدن یکدیگر نیز شرم داشتند که چون دزدان و بدکاران به خانه های خود خزیدند.

زینبی را باید باور کرد که چنان باصلابت و استواری وارد کاخ ابن زیاد شد که ابن زیاد پرسید: این زن مغرور کیست؟ خون خوارترین مرد عرب را به زانو درآورد چنانچه برای مانع شدن از رسوایی بیشتر خود دستور داد فوراً کاروان را از کوفه خارج کنند.

زینبی را باید باور کرد که یزید و شامیان را همچون پوشالی زیر پا له کرد و اقتدار و قدرت ظاهری آن‌ها را به عجز و ناتوانی و رسوایی مبدل نمود.

پس زینبی غیر از این زینب را نباید باور کرد چون ساخته و پرداخته خیالات و علایق باطنی مردم است.

پس باید خود زینب را شناخت و باور کرد و به او عشق ورزید چون عشق به زینب یعنی عشق به حقیقت، پس حقیقت خلقت او رسیدن به نهایت عزت یک انسان در اطاعت از خالق خود بود.

حضرت علی اصغر (ع):

علی اصغر مجاهدی که شش ماهه ره شصت ساله پیمود، رفت که به همه نشان دهد که آیا در امر ظهور عدالت، بچه شش ماهه معاف از اطاعت امام است یا نه؟ رفت که به همه اعلام کند که اطاعت از امام عصر به سن و سال نیست بلکه به شناخت امامت و راه اوست؛ و رفت که آیه «انما ولیکم الله» را به ظهور برساند.

چه بی‌انصافی است که تشنه حق و شهادت را تشنه آب دانست چون همان‌گونه‌ای که برای رفع تشنگی حضرت اسماعیل (س) نیاز به سعی هفت بار هاجر نبود و از زیر پایش آب جاری شد چون فرزند پیامبر بود، برای علی اصغر نیز نیاز به کمک خواستن از دشمن نبود زیرا او نیز فرزند پیامبر است.

حضرت علی اکبر (ع):

حضرت علی اکبر فرزند جوان و رشید و با تقوای امام حسین (ع) بود که امام او را در اولین ساعات عاشورا به میدان فرستاد البته بعد از دیدن اشتیاق و خواستن اجازه از پدر این کار را نمود و امام نشان داد که بهترین و زیباترین گهری را که دارد قبل از همه در راه خدا انفاق می‌کند و همچنین محبت والای پدرانه خود را به او نشان داد

که قبل از اینکه شربت شیرین عشق الهی را خود بنوشد به فرزندش نوشاند در زمانی که به میدان می‌رفت امام حسین (ع) چنین فرمودند: «ای نور دیده تو با بازوان نیرومند خود شهید خواهی شد. آری به میدان برو و قوی و محکم دشمنان دین را بر زمین افکن.»

حضرت علی اکبر بعد از مدتی جنگ به طرف پدر می‌آیند و می‌فرمایند: «پدر تا توانستم آن‌ها را چون برگ خزان بر زمین ریختم ولی پدر به نیروی بیشتری نیازمند هستم.» امام صورت خود را جلو می‌آورند و به صورت فرزند می‌چسبانند و می‌گویند: «نیرویی از امانت حضرت جبرئیل را به تو دادم به میدان برو.» و ایشان به میدان می‌روند و پس از مدتی جنگ شهید می‌شوند.

حضرت ابوالفضل (س):

ابوالفضل پدر فضل و کمال و ادب، اطاعت، حق‌طلبی و حق‌مداری را معنی کرد. امام حسین (ع) از او خواست آبی بیاورد و کاملاً روشن بود که یک مشک آب در آخرین دقایق جنگ مشکلی را نمی‌توانست حل کند از این موضوع هم امام حسین (ع) و هم حضرت ابوالفضل اطلاع داشتند با وجود این آیا حضرت ابوالفضل با امر امام مخالفت می‌کند؟ یا اطاعت و گردن نهادن به امر امام را یاد می‌دهد؟

حضرت ابوالفضل رفت تا همه بدانند آنچه امام عصر خواست همان است که خدا اراده نمود. پس رشادت حضرت ابوالفضل به مشکلی آب منتهی نمی‌شود. ایستادگی در برابر باطل است و نشان دادن اطاعت امر امام در نهایت گذشت از جان، به طوری که وارد فرات می‌شود مستی آب بر می‌دارند و آیه کریمه ۲۴۹ سوره بقره را تلاوت کرده و فریاد بر می‌آورد که «تشنگان حقیقت حتی مستی آب هم نخواهند نوشید تا باطل را نابود کنند و تشنگی آنان با نابودی باطل به شراب شیرین حق پایان می‌یابد.»

حضرت ابوالفضل حماسه آفرید تا شاید آن دون‌صفتان دغل با دیدن این جان‌فشانی از عذاب خود را نجات دهند، چطور می‌شود تا اولیا خداوند مظهر عبرت باشند؟ آیا

خداوند بزرگ و با جلال و جبروت یک مشت انسان‌های شکست خورده را عبرت قرار می‌دهد یا عده‌ای قهرمان را؟

پس چطور شده که از امامت جز خاطره‌ای از مظلومیت باقی نمانده و اطاعت و رشادت در پس پرده رفته است؛ و چه زیبا خداوند کریم در قرآن فرمودند: «صم بکم عمی فهم لا یرجعون، آنان کران و گنگ‌ها (بی‌عقلان) و کوران‌اند» لذا از راه خطا باز نمی‌گردند.

حضرت رقیه (س):

حرکت کاروان عاشورا قبل از واقعه کربلا و بعد از آن تا شام و کاخ یزید هدف‌دار و سرمشق دهنده به تمام بشریت مخصوصاً به مسلمانان و شیعیان بود که با توجه و بازنگری به آن پی می‌بریم که هر حرکتی یا هر صحبتی یا خطابه‌ای از طرف زنان و کودکان پیام دهنده به نوع بشر بوده که متأسفانه درست و صحیح مفاهیم آن درک نشده. در این مورد شیعیان نیز که اعتقاد به امام و عاشورا دارند فقط به ظاهر آن التفات کرده و به چند روز عزاداری بسنده نمودند.

بعد از واقعه عاشورا کودکان به رهبری امام باقر (ع) و همراهی حضرت رقیه (س) وظایف مهمی در رساندن پیام نهضت عاشورا به مردم داشتند چون از بزرگ‌ترها به وسیله‌ی نگهبانان محافظت می‌شد کودکان به بهانه‌ی بازی از محل محافظت خارج شده زمینه‌ی فعالیت و آگاهی دادن را فراهم می‌کردند مردم شهر را به وسیله کودکان باخبر می‌کردند و آن‌ها برای دیدن و شنیدن حقیقت به محل مراجعه می‌کردند.

حضرت رقیه (س) در این امر مهم نقش بزرگی به عهده داشت که شبی در خرابه شام شروع به فریاد و خواستن پدر کرد به طوری که همه‌ی مردم جمع شدند. حضرت زینب (س) از ایشان سؤال فرمود: عزیزم تو را چه شده. حضرت رقیه (س) فرمود: این رازی است بین من و پدرم چون ایشان فرمودند رقیه جان زمانی که در خرابه شام بودی مرا صدا بزن تا تو را پیش خودم ببرم. وقتی مردم شهر جمع شدن و بی‌تابی او را دیدند

سر امام را پیش او آوردند و حضرت رقیه (س) سر پدر را در آغوش گرفت و با صدای بلند فرمود: «وَأَفْوُضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» و از دنیا رفت.

حضرت حر:

امام حسین (ع) در ظهر عاشورا با صدای بلند فرمودند: ای مردم اگر دین ندارید آزاده باشید.

بله اگر در سرشت انسان آزادگی بود خداوند متعال فرصت‌های زیادی را برای نجات او فراهم می‌کند چون انسان آزاده مطمئناً به توحید واقعی نیز می‌رسد.

حر پهلوان شجاع، آزاده و علاقه‌مند به اهل‌بیت، نشان داد که در ضمیرش آزادگی و مودت نهفته است. اگرچه چند صباحی به‌منظور کسب درآمد در خدمت دستگاه یزید بود اما زمانی که امام حسین (ع) رسید و گفت که وظیفه دارد که از حرکت امام جلوگیری کند امام فرمود: حر، آیا مجازات بستن راه بر امام عصر خود را می‌دانی؟ حر پاسخ داد: خیر. امام فرمودند: در قیامت دست و پایت با تو در جدال خواهد بود و به‌سرعت از تو می‌گریزند و تو درحالی‌که چون خزندگان شکم خود را بر روی زمین می‌کشی به‌طرف محشر می‌روی و پوست شکم تو بر اثر کشیده شدن روی زمین مجروح شده از آن خون جاری می‌شود و از آن خون جانوری به وجود می‌آید که گوشت تو را می‌خورد. من تو را آگاهی می‌دهم حال انتخاب آن با توست.

چون حر می‌داند نوهی پیامبر راست می‌گوید و هرگز سخنی جز حقیقت از او نشنیده، نگران شده چاره‌ی کار را از امام می‌پرسد و ایشان علت آمدنش را برای او بیان می‌کند و حر منقلب شده و گریه‌کنان دور می‌شود و در صبح عاشورا حر پیش می‌آید و دست امام را می‌بوسد و به پاهای او می‌افتد و تقاضا می‌کند تا اجازه فرمایند او اولین شهید باشد. امام اجازه می‌فرمایند و حر به میدان می‌رود و شهید می‌گردد.

میان مرگ و ذلت مرگ بهتر که عزت را خدایم در ازل داد
حسین آزادگی را کرد بنیاد ز هر بند اسارت گشت آزاد

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

امام زمان (عج) در مورد عملکرد مردم در محرم می‌فرمایند:

جدم امام حسین سلام الله علیه می‌فرمایند: من با فدای بهترین یاران و عزیزان پیامبر صلی‌الله علیه و آل با فساد جنگیدم، حال چه طور با دستی که تا دیشب در شراب و قمار و زنا غرق بوده و امروز بالا می‌رود و بر سینه‌ی خود می‌کوبد بیعت کنم؟ چه طور با چشمی که تا دیروز اشک بیچارگان جامعه را ریخته و امروز بر من اشک می‌ریزد بیعت کنم؟ (بر سینه کوبیدن به معنای بیعت با امام می‌باشد).

چه طور غذایی را که با پول حرام و نا حق درست شده و بوی بد آن فضا را آزار می‌دهد و به اسم من در اجاق‌های آتش است را قبول کنم؟ من چطور با کرکس‌هایی که به بهانه‌ی عزاداری از اجساد بهترین بندگان خداوند تغذیه می‌کنند بیعت کنم؟ (منظور مداحانی که برای اهداف نفسانی خود، با گرفتن دستمزد و مجلس گرمی به فریب مردم می‌پردازند و با خواندن نوحه‌های دروغ، شأن اهل بیت سلام الله علیه را زیر سؤال می‌برند).

نه این طور نیست، من زاده‌ی حق هستم و با حق بیعت می‌کنم و هزار افسوس که من در عاشورا بسیار کم عزاداری می‌بینم و بقیه بر سینه‌ی همچون سنگ خود (سنگی و سفتی سینه در اثر گناه ایجاد می‌شود) می‌کوبند و صدای شیطان را نمی‌شنوند که اگر فردای عاشورا در زندگی آن‌ها نظر کنی بس کفر افزون‌تر از دیروز است. (امام حسین سلام الله علیه امام حق هستند به همین دلیل عزاداری برای ایشان راه و هدف ایشان را مشخص می‌کند و نور هدایت و عشق را در دل‌ها منور می‌کند و اگر دلی بر اثر گناه سنگ شده باشد این فرصت را برای بیرون کردن شیطان که باطل است و جایگزینی عشق و ایمان را در دل از دست می‌دهد و بعد از عاشورا بیش از پیش در گرداب نفس خود فرو می‌رود؛ و آخر این مسیر نابودی است چرا که خداوند کریم فرموده‌اند که باطل چون کف روی آب و نابود شدنی است).

حضرت فاطمه زهرا سلام الله عليها برای بیان هدف امام حسین و سایر امامان و ائمه اطهار سلام الله عليه می‌فرمایند:

اگر تمام عزیزان من فقط برای نشان دادن ارزشِ عمر، از دست رفتند، شما با ارزش دادن به عمرتان رسالت آنها را احیا کنید و تلاش عمرتان را در رسیدن به اهداف انسان بودنشان صرف کنید و هر لحظه آن را طلب کنید که رستگاری و رسیدن به نعمت‌های وعده داده شده در گذاشتن تاج خلیفه بودن بر سرتان است و هرگز از رحمت و لطف خداوند نا امید نشوید که نا امیدی کلید در خانه‌ی شیطان است. (خانم رسیدن به مقام خلیفگی را هدف انسان بودن مطرح می‌کنند. آیه آخر سوره‌ی مبارکه‌ی انعام هم اشاره به این مطلب دارد.)

اللهم عجل لولیک الفرج

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تفسیر عاشورا از زبان خانم فاطمه‌ی زهرا (س):

کاروان عاشورا قبل از واقعه کربلا و بعد از آن تا شام و کاخ یزید سرمشق دهنده به تمام انسان‌ها مخصوصاً به مسلمانان و شیعیان بود که با بازنگری آن پی می‌بریم که هر حرکتی و صحبتی یا خطابه‌ای از جانب آقا امام حسین سلام الله علیه و امام سجاد سلام الله علیه و حضرت زینب سلام الله علیها تا زنان و کودکان، حتی کودک شش ماهه پیام دهنده به نوع بشر بوده که متأسفانه مفاهیم آن درست و صحیح درج (درک) نشده و حتی شیعیان که اعتقاد به امام و عاشورا دارند فقط به ظاهر آن اکتفا کرده و به چند روز عزاداری بسنده نموده‌اند، ولی خداوند در قرآن کریم اندیشیدن و تفکر برای درک درست هر عملی را بارها متذکر شدند، در قرن حاضر نیز هر چیزی با دلیل و برهان عقلی قابل قبول مردم، مخصوصاً جوانان است مانند امام سجاد (ع) و حضرت زینب سلام الله علیها حرکت صحیح نهضت عاشورا را اول خود درست درک کرده و بعد به تمامی مردم دنیا زینب گونه فریاد کنیم که فرموده‌ی معصومین چنین است:

خداوند اعمال کسانی را که اعمال عاشورا را سبک کنند سبک می‌کند و در نتیجه در قیامت نیز هر چند که عمل زیادی از حسنات داشته باشند با ترازوی عاشورا سبک می‌شود، در حالی که آنچه بعد از عاشورا مردم انجام می‌دهند سبک شمردن راه و هدف امام حسین سلام الله علیه است.

در انقلاب قائم آل محمد عجل الله فرجه الشریف باید مردم بدانند که آیا در امر ظهور عدالت، بچه‌ی شش ماهه معذور و معاف از اطاعت امام است؟ یا نه؟ یا به این فکر نمی‌کنند که آیا کودک پیامبر حضرت ابراهیم سلام الله علیه شش ماهه نبود که در بیابان با مادرش رهایشان کرد و آن‌ها را به خدا سپرد. آیا حضرت اسماعیل از تشنگی هلاک شد؟ یا فضل خدا از زمین شامل حالش گردید؟ پس چه شد که فرزندان پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله باید سرنوشت دیگری داشته باشند. آیا تلاش حضرت هاجر برای پیدا کردن آب نبود؟ در حالی که آب زیر پای کودک او می‌جوشید!

چه شد که فضل خدا در مورد انبیاء دگرگون می‌شود؟ گاه بر این پیامبر حاضر است و بر پیامبر دیگر نعوذاً بالله چنین نیست!

این است که امتحان حضرت ابراهیم شهادت فرزند نبود. بلکه آموزش تکالیف الهی در امر پروردگار بود و این بار همین تکلیف بر عهده‌ی امام حسین بود. آیا او تمام جهد و کوشش خود را فقط در نوشاندن آب به کودکانش قرار داد؟ و یا مانند جدش حضرت ابراهیم در ورطه آزمون الهی بنیان‌گذار عزت و آزادی بود، در حسین بدبختی و تشنگی و نگون‌بختی بود یا آن هم عزت است در پیروزی حق در مبارزه با باطل در ایثار و از خود گذشتگی در راه خدا.

پس منتظران با این حال باید منتظر چه چیزی باشند؟ چرا خداوند می‌فرماید: به آن‌ها بگویند انتظار بکشند من نیز منتظر می‌مانم. منتظر چه چیزی؟ آمدن قیامت که انتظار نمی‌خواهد آمدن امر الهی به یک‌باره است. انتظار عدالت را چگونه باید به مردم آموخت؟ جز با نمایش حق بر باطل با امر خداوند بزرگ و ستودنی احدی را سزا نیست که علایق خود را در مقابل امر خدا مستولی کند وقتی که امر خدا را بندگان و رو آوران و امت پیامبر او اطاعت نکردند منتظر چه هستند؟ می‌خواهند چه چیز را با خود به قیامت آورند؟ آیا جز حق به آن صحرا برده خواهد شد؟ پس چهره حق کجاست؟

آیا عباس در راهی جز راه فرمان امام عصر خویش به شهادت رسید؟ گاهی فرمان چنین است که بندگی‌اش را تاریخ باید ثبت کند. اگر امام حسین سلام الله علیه آب داشت و به حضرت عباس فرمان داد تا آبی بیاورد، آیا حضرت ابوالفضل با امر امام مخالفت کرد؟ و یا اطاعت و گردن نهادن به امر امام را یاد می‌دهد؟ عباس رفت تا همه بدانند آنچه امام عصر خواست همان است که خدا اراده می‌فرماید. پس رشادت عباس به مشکی آب منتهی نمی‌شود. ایستادگی در برابر باطل است، نشان دادن اطاعت امر امام و در نهایت گذشت از جان! در آن روز که سران دغل به طرف امام حسین می‌آمدند و با دیدن جان‌فشانی عباس (ع) می‌گریختند. چطور می‌شود که اولیای خداوند مظهر عبرت می‌باشند؟ آیا خداوند بزرگ و با جلالت و جبروت یک

مشت انسان‌های شکست خورده را عبرت مردم قرار می‌دهد. یا عده‌ای قهرمان را؟ پس چه شده که از امامت جز خاطره‌ای از مظلومیت باقی نمانده! و اطاعت و رشادت در پس پرده رفته؟ اگر کربلا نبود، منتظران منتظر چه بودند؟ چگونه حق و باطل را تشخیص می‌دادند؟ و جز انبیاء و اولیاء چه کسی دارای چهره‌ی حق کامل است؟ تا دیگران از آنان بیاموزند.

مردم باید در کارهای خود اندیشه کنند؛ که اگر نکنند چهره‌ی باطل را بزرگ کرده‌اند؛ و چهره‌ی حق را در پشت آن قرار داده‌اند. پس وای بر احوال این منتظران که منتظر باطل هستند! در حالی که حق پشت پرده‌ی باطل نمی‌رود بلکه باطل است که چهره‌ی حق را دگرگون می‌کند و همان‌گونه‌ای که خداوند بزرگ فرموده‌اند: «باطل مانند کف روی آب است که از بین رفتنی است»

کسانی بر حسین سلام الله علیه اشک می‌ریزند که چهره‌ی حق را شناخته‌اند نه چهره‌ی باطل را! ولی آنچه می‌کنند نشان می‌دهد که چهره‌ی باطل را شناخته‌اند.

حوادث سنگین عاشورا برای عرشیان و فرشیان سنگین است، زیرا خداوند متعال فرموده‌اند: «از من و محمد هر دو پیروی کنید». و حادثه‌ی کربلا زیر پا نهادن حق و حرمت خدا و رسولش بود. آنان که نمی‌دانند باید بدانند کسی را جرأت خواستن حق خداوند نیست. همان‌گونه که حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: من نیستم که در قیامت حق را طلب می‌کنم، بلکه خداوند بزرگ است که از حریم خویش خواهد پرسید ما همه متعلق به او هستیم و به سوی او بازمی‌گردیم. پس در رفتارهایتان جز به حق نگرایید و جز حق را نگویند، این فرمان قرآن است که پیروی کنندگان از قرآن پیروزمندان صحرای قیامت‌اند.

اللهم عجل لولیک الفرج